

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف\* - (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۰ اپریل ۲۰۱۹

## به مناسبت نودمین سال آغاز صنعتی کردن در اتحاد شوروی

### صنعتی کردن در اتحاد شوروی بزرگترین معجزه اقتصادی قرن بیستم

فرمان رئیس جمهور در ماه مه سال ۲۰۱۸ مبنی بر "تعیین اهداف ملی و اهداف ستراتیژیک توسعه فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۴" به منظور تأمین جهش اقتصادی و رفع موانع منجر به عقب‌ماندگی روسیه از بسیاری از کشورهای جهان و کاهش نقش آن در اقتصاد جهانی صادر گردید و برای تحقق آنها لازم است روسیه از تجارب جهانی دایر بر حل چنین مسائلی بهره برگیرد. در تاریخ قرن بیستم موارد زیادی در این باره وجود دارد که معجزه اقتصادی نامیده شدند. معجزه جاپان، آلمان، کوریای جنوبی. در همه جا توسعه صنعتی در قلب معجزه اقتصادی قرار داشت.

با این وجود، اغلب ما فراموش می‌کنیم، که صنعتی کردن در اتحاد شوروی بزرگترین معجزه اقتصادی قرن بیستم بود. ما می‌توانیم از خود بیاموزیم. ارجمندترین تجربه جلو چشم ماست.

در سال ۲۰۱۹، نود سال از لحظه آغاز صنعتی کردن می‌گذرد. اکثریت تاریخ‌نگاران نقطه شروع آن را تصمیم کنفرانس شانزدهم حزب کمونیست سراسری (بلشویک) در ماه اپریل سال ۱۹۲۹ محسوب می‌کنند.

نقاط عطف تاریخ اجتماعی-اقتصادی اتحاد شوروی را برمی‌شمارم. کمونیسم نظامی مرحله نخست آن بود. از سال ۱۹۲۱ سیاست اقتصادی جدید (نپ) شروع شد و مدتی بعد صنعتی کردن جایگزین آن گردید. در خصوص نقطه پایانی صنعتی کردن نظر واحدی وجود ندارد. برخی‌ها بر این باوراند، که این امر در ۲۲ جون سال ۱۹۴۱، یعنی همزمان با حمله هیتلر به کشور ما اتفاق افتاد. گروهی دیگر عقیده دارند، که صنعتی کردن تا دهه نخست پس از جنگ ادامه یافت و با به قدرت رسیدن نیکیتا خروشچف، مخصوصاً پس از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۵۶) صنعتی کردن پایان پذیرفت.

در این نوشتار قصد دارم حوادثی را ترسیم کنم، که آنها را می‌توان آمادگی پیش از تصمیمات کنفرانس حزبی سال ۱۹۲۹ نامید. سیاست اقتصادی نوین در سال‌های ۱۹۲۰ یک تنفس موقتی برای کشور بود. موقعیت دولت در اقتصاد تضعیف گردید. مناسبات کالائی-پولی به فضای گسترده‌ای دست یافت. نظام مالکیت خصوصی سرمایه‌داری که حاکمیت سیاسی بلشویکها را تهدید می‌کرد، جان گرفت.

تهدیدهای خارجی از سوی متحدان سابق روسیه در آنتانت به این اضافه شد. قبل از همه، اتحاد شوروی به محاصره اقتصادی کشورهای غربی و آمریکا درآمد. از سوی دیگر، خطر تهاجم نظامی وجود داشت. چند بار کشور با حمله نظامی به اندازه موئی فاصله داشت.

غرب اتحاد شوروی را در مقابل اولتیماتوم‌های غیرقابل عملی قرار داد. تعهد بر تأدیة بدهی‌های دولت تزار و دولت موقت یکی از آنها بود. کل بدهی به حدود ۱۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون روبل طلا بالغ می‌شد. بلشویکها در ماه جنوری ۱۹۱۸ با صدور بیانیه‌ای امتناع حاکمیت جدید از پرداخت بدهی‌ها را اعلام کردند. خواست دیگر غرب، استرداد دارائی‌های ملی شده به صاحبان آنها یا پرداخت غرامت به ازای دارائی‌ها بود. یکی دیگر از درخواستهای غرب از اتحاد شوروی امتناع از انحصار بازرگانی خارجی بود.

اتحاد شوروی به همه خواستهای غرب که در بیانیه کنفرانس اقتصادی جنوا در سال ۱۹۲۲ اعلام شده بود، با قاطعیت پاسخ رد داد. با این وجود، غرب به وارد آوردن فشار از طریق تحریم به اتحاد شوروی ادامه داد. همانطور که با استفاده از حربه تحریم روسیه امروزی را تحت فشار قرار داده است. تمامی اینها رهبری اتحاد شوروی را به اندیشیدن در مورد ضرورت ایجاد اقتصاد مستقل وادار نمود. آن اقتصادی که به واردات و صادرات وابسته نباشد و بتواند غرب را از امکان اعمال تحریمهای تجاری-اقتصادی علیه کشور محروم سازد.

خطر جنگ نیز به اندیشیدن در خصوص تقویت توان دفاعی کشور وادار نمود. صنایع نظامی کشور ضعیف بود. در این حال، رهبران حزب و دولت از درسهای جنگ جهانی اول سرمشق گرفتند. روسیه برای جنگ بسیار بد آماده شده بود، لازم بود بسیاری از انواع تسلیحات، مهمات و تجهیزات نظامی را از متحدین بخرد. اقلام خریداری شده با تأخیرهای قابل ملاحظه تحویل می‌گردید، اغلب قراردادهای بر مبنای شروط سیاسی و نظامی بسته می‌شد. در سال ۱۹۲۰ شرایط وخیم‌تر شد، متحدین سابق به دشمنان بدل گردیدند.

در اواسط سال‌های ۱۹۲۰ واژه "صنعتی کردن" به گفتمان رهبری اتحاد شوروی اضافه شد. در ابتداء، به آنچه کشورهای اروپائی در قرون هجده و نوزده تجربه کرده، از کشورهای کشاورزی به ممالک صنعتی بدل شده بودند، قیاس به عمل آمد. اغلب از انقلاب صنعتی در انگلیس یاد می‌کردند، اما، بلشویکها نمی‌توانستند تجربه انگلستان را به معنای واقعی کلمه به عاریت بگیرند.

نخست این که، انقلاب صنعتی انگلیس به حساب سرمایه‌های هنگفت ناشی از تاراج بی‌مهات مستعمرات محقق گردید. اتحاد شوروی چنین سرمایه‌هایی در اختیار نداشت. دوم، انقلاب صنعتی در انگلیس تقریباً صد قبل از اتحاد شوروی به وقوع پیوست. ستالین طی سخنرانی خود در نخستین کنفرانس سراسری کارگران صنایع سوسیالیستی در ۴ فبروری سال ۱۹۳۱ گفت: "ما ۵۰-۱۰۰ سال از کشورهای پیشرو عقب مانده‌ایم. ما این فاصله را باید در عرض ده سال طی کنیم. یا باید این کار را بکنیم، یا ما را له خواهند کرد..."

صنعتی کردن را بسیاری‌ها در کرملین رویای دست‌نیافتنی تلقی می‌کردند. از جمله، نیکولای بوخارین، یکی از رهبران برجسته حزبی قبل از همه به طرفداری از سیاست اقتصادی جدید برخاست و با صنعتی کردن مخالفت کرد. او بر قدرت جادویی مناسبات کالائی-پولی و بازار تأکید نمود، که در وهله اول ایجاد صنایع سبک و انباشت سرمایه کافی برای گذار به راه‌اندازی صنایع سنگین را امکان‌پذیر می‌سازد. طبق نسخه بوخارین، صنعتی کردن می‌توانست صدها سال به طول انجامد، ولی تجاوز نظامی ممکن بود هر لحظه اتفاق بیفتد.

در کرملین تندروانی هم بودند. تروتسکی از سرعت بالای صنعتی کردن حمایت کرد. عقیده او مبنی بر سرعت فوق‌العاده صنعتی کردن با ایده انقلاب مداوم که می‌توانست فقط جهانی باشد، همخوانی داشت. تروتسکی به مارکس و

لنین استناد می‌کرد. اما ستالین بر نظریه امکان پیروزی سوسیالیسم در کشور واحد تأکید می‌نمود. این نظریه با تئوری مارکسیسم-لنینیسم در باره انقلاب جهانی در تضاد بود. اما او زمینه فکری صنعتی کردن را آماده نمود.

صرف نظر از جزئیات بحث‌ها در خصوص صنعتی کردن (سودمندی، منابع، سرعت، آگاریتم‌ها، شرایط خارجی) که در کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک)، شورای وزیران، شورای کار و دفاع، کمیسیون برنامه‌ریزی دولتی در جنب شورای کار و دفاع و سایر سازمانها انجام گرفت، در اوایل ۱۹۲۸ به تمامی بحث‌ها نقطه پایان گذارده شد. اما بحث‌ها پیرامون مسائل فنی ادامه یافت - فقط به بحثها در مورد مسائل اساسی سیاسی و نظری خاتمه داده شده شد. به منظور گذار از حرف به عمل، ستالین به کنار زدن دست‌بندی‌های داخل حزبی - نه به معنای فزیک، بلکه، به معنای تشکیلاتی - که از موضع افراطی از صنعتی کردن طرفداری می‌کردند، مجبور شد: "مخالفان چپ" (تروتسکی، زینویف، کامنیف، راکوفسکی، راداک پره‌آبرائنسکی و دیگران)، "مخالفان کارگری" (شلیاپنیکوف، کولونتای و سایرین)، "مخالفان جدید" (بوخارین، تومسکی، رنکوف و دیگران). آغاز صنعتی کردن بدون تحکیم وحدت ایدئولوژیک - سیاسی در بالاترین نهاد رهبری حزبی - دولتی امکان‌پذیر نبود.

ابتداء ضرورت عزل تروتسکی به عنوان فعال‌ترین شخصیت مخالفان تندرو از تمام مناصب حزبی و دولتی (سال ۱۹۲۷) و تبعید او از اتحاد شوروی (سال ۱۹۲۹) پیش آمد. پس از این، از قضا، ستالین موضع نسبتاً "چپ‌تر" در خصوص مسأله صنعتی کردن اتخاذ نمود (سرعت بیشتر در مدت زمان فشرده).

حالا، به برشماری برخی رویدادهای رسمی مرتبط با صنعتی کردن می‌پردازم:

کنگره چهاردهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در ماه دسمبر سال ۱۹۲۵. کلمه "صنعتی کردن" برای نخستین بار از تریبون این گنکره به صدا درآمد. تصمیم کلی دایر بر ضرورت تبدیل اتحاد شوروی از مملکت کشاورزی به کشور صنعتی اتخاذ گردید.

کنگره پانزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در ماه دسمبر سال ۱۹۲۷. در این کنگره تمامی مخالفان کنار گذاشته شدند. اعلام گردید، که دوره آمادگی برای صنعتی کردن اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بر شالوده برنامه‌های پنج ساله آغاز می‌شود. توسعه اقتصاد ملی. دستورالعمل‌ها برای اجرای نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصاد ملی تصویب شد. اعلام شد، صنعتی کردن بایستی بر بستر "برنامه‌های فشرده" تحقق یابد، اما با سرعت بسیار بالا.

اپریل سال ۱۹۲۹ - کنفرانس حزب کمونیست سراسری (بلشویک). برنامه پنج ساله اول که بر مبنای بیانیه‌های کنگره پانزدهم حزب کمونیست (بلشویک) تدوین شده بود، در این کنفرانس تصویب گردید. برنامه می‌بایست در بازه زمانی اول اکتوبر سال ۱۹۲۸ تا اول اکتوبر سال ۱۹۳۳ اجرا شود (در آن سالها، سال اقتصادی از اول اکتوبر آغاز می‌شد). با این حال، این پایان روند تصویب برنامه پنج ساله نبود. زیرا، تأیید آن در کنگره شوراهای سراسری اتحاد شوروی لازم بود.

ماه مه سال ۱۹۲۹ - پنجمین کنگره شوراهای سراسری اتحاد شوروی. کنگره پس از استماع گزارش شورای وزیران اتحاد شوروی، سیاست دولت را به طور کامل مورد تأیید قرار داد. کنگره نخستین برنامه پنج ساله را تصویب نمود، کلام "نخستین برنامه پنج ساله صنعتی کردن" در کنگره در سراسر کشور طنین‌انداز شد.

به این ترتیب، یا اول اکتوبر سال ۱۹۲۸ را که عملاً زنگ نخستین برنامه پنج ساله زده شد، و یا ماه‌های اپریل - مه را که برنامه پنج ساله روند تأیید خود را در عالی‌ترین ارگان حزبی و دولتی طی کرد، می‌توان آغاز صنعتی کردن شمرد.

و دو هدف عمده صنعتی کردن هم در شانزدهمین کنفرانس حزب کمونیست (بلشویک)، و هم در پنجمین کنگره سراسری شوراهای به دقت فرمولبندی شد:

۱- دستیابی به استقلال اقتصادی کامل کشور با هدف رسیدن به خودکفایی اقتصادی (بدون وابستگی به صادرات و واردات)؛

۲- ایجاد پایه مادی-فنی صنایع دفاعی قدرتمند به منظور تأمین امنیت نظامی کشور.

در این حال، بسیج همه انواع منابع اعم از مادی، مالی، انسانی، علمی-فنی، ابزارهای عمده دستیابی به اهداف تعیین شده، به سخن دیگر، بسیج اقتصادی بودند. در آینده، به بررسی روش‌ها و اشکال صنعتی کردن در اتحاد شوروی، اشتباهات، دستاوردها و نتایج مشخص آن خواهیم پرداخت.

---

\* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیه، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل سازمان ملل متحد، پژوهشگر مسائل پشت صحنه

### ملاحظات مترجم:

ایران امروز درست در شرایطی قرار دارد که اتحاد شوروی در دهه ۲۰ سده بیستم میلادی قرار داشت. با این تفاوت که در ایران از چهل سال پیش حاکمیت سرمایه‌داری به سرمداری روحانیت مرتجع برقرار است. اما در اتحاد شوروی حاکمیت کارگری به رهبری حزب بلشویک برقرار بود.

در چنان شرایط شدت خطرناک، دولت بلشویکها تقریباً ۹ سال پس از پیروزی انقلاب اکتوبر با پیشبرد سیاست صنعتی کردن، اتحاد شوروی را به بزرگترین قدرت اقتصادی، سیاسی، علمی-فنی و نظامی جهان تبدیل نمودند. اما حاکمیت ایران، تحت عنوان خصوصی‌سازی به تاراج لجام‌گسیخته داری‌های ملی و به تبع آن، به صنعت‌زادگی همه جانبه دست می‌زند.

با این اوصاف، اتحاد شوروی با آن قدرت و توان مافوق تصور بشری خود در نهایت نتوانست در مقابل همه‌های سهمگین غرب امپریالیستی و سرسپردگان و خاینان داخلی آن دوام بیاورد. آیا حاکمیت سرمایه‌داری ایران امروزی که در همه عرصه‌ها صدها برابر از اتحاد شوروی ضعیف‌تر است و خاینان داخلی و لیبرالها کمر همت به نابودی صنایع نچندان پیشرفته کشور بسته(\*)، برنامه هسته‌ای کشور را مختل نموده‌اند، خواهد توانست در زیر فشارهای جنون‌آمیز امپریالیستهای امریکا و اروپا دوام بیاورد، سوالی است که آینده پاسخ روشن آن را خواهد داد.

منبع:

<https://www.fondsk.ru/news/2019/04/14/sovetskaya-industrializacia-k-90-letiu-nachala-47997.html>

۲۹ فروردین - حمل ۱۳۹۸